

چرا و چگونه مکان‌هایی مقدس می‌شوند؟



چرا این سنگ‌ها مقدس بشمار می‌آیند؟

براستی چرا مکانها یا اشیاء خاصی مقدس می‌شوند و چگونه است که این تقدس از طریق هنر و معماری نمایان می‌شود؟

واژه مقدس (sacred) به هر چیز با عظمت، قابل ستایش و قابل تکریم اطلاق می‌شود. ریشه لاتین این کلمه sacer به معنای محصور کردن و جلوه دادن است. یک فرد می‌تواند با عنوان مقدس برگزیده شود، همچنین یک شیء یا یک مکان که بی‌مانند و فوق‌العاده به نظر برسد نیز می‌تواند حالت مقدس داشته باشد. این کلمه نزدیکی زیادی با کلمه "الوهیت" (numen) "به معنای قدرت مرموز خداوندی دارد."

برای توصیف تقدس و نیز به منظور اشاره به قدرت نهفته در این واژه از کلمه "روحانی" نیز استفاده می‌شود. در تمام دنیا، آیین‌های مختلف از واژه‌های متفاوت و وابسته به کلمه تقدس استفاده می‌کنند. برای مثال در زبان یونانی از واژه hagnos، در عربی از moqaddas، در عبری از qadosh و در جزایر پلینزی (مجموعه‌ای بیش از 1000 جزیره کنار هم در اقیانوس آرام) از واژه tapu استفاده می‌کنند. کلمات مرتبط با "الوهیت" در زبان سانسکریت (brahman، در Sioux از اقوام آمریکای شمالی) کلمه wakanda، در Melanesian جزایر سیاه که از غرب اقیانوس آرام تا شمال و شمال شرق استرالیا قرار دارند) کلمه mana در آلمان قدیم کلمه haminja به معنای بخت و اقبال استفاده می‌کنند.

میرکیا الیاد Mircea Eliade، فیلسوف رومانیایی (1907-1986) (در کتاب خود "تقدس و کفر" (The Sacred and the Profane)، توضیح داده است که یک وجود مقدس، خود را به عنوان واقعیتی متفاوت با واقعیات معمول، نشان می‌دهد. ما زمانی از تقدس چیزی آگاه می‌شویم که آن شخص یا شیء به شکلی متفاوت با انواع مشابه خود نشان جلوه کند. فرض بر این است که خداوند یا بعضی نیروهای روحانی و ماورا طبیعی خود را بر شخص ناظر آشکار می‌کنند و به او حس برتری و امتیاز می‌دهند. هر چند گاهی این دریافتها مشکوک به نظر می‌رسند زیرا معمولاً شخصی که ناظر یک واقعه مرموز و غیرقابل توجیه (برای خودش) مانند منظره‌ای غریب یا حادثه‌ای غیر عادی، است، آنرا به نام ماورا طبیعی یا مقدس توجیه می‌کند.

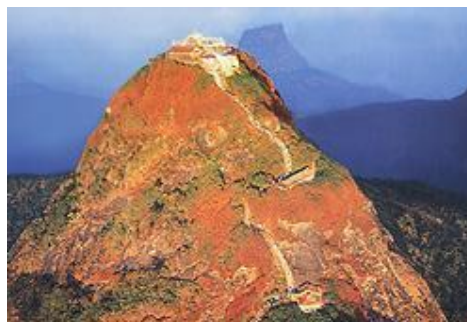
یافتن توجیه الهی، برای ناظری که به نیروی ماورا طبیعی باور دارد، کاملاً مجاب‌کننده است و این ناظر میتواند بلافاصله به هر آنچه که این واقعه بر آن صحنه می‌گذارد اعتقاد پیدا کند.

یکی از ویژگی‌های ظهور نیروهای مقدس این است که آنها همواره در چهارچوب اعتقادات مذهبی شخص ناظر معنا میشوند (و اگر شخص مذهبی نباشد، این واقعه را به مذهب رایج در فرهنگ خود ربط می‌دهد). برای مثال، میتوان از آنچه بر دختر روستایی فرانسوی "برنات سویریو" Bernadette Soubirous "آشکار شد یاد کرد. این دختر کاتولیک، در غار لوردس Lourdes بانویی مقدس را دید، و شکی نداشت که او مریم مقدس بوده است نه الهه یا فرشته‌ای، از مذهب و دورانی دیگر. به عبارت دیگر، قدرت روحانی یا مقدس، خود را تنها در متن اعتقادات شخص مشاهده‌گر و جامعه‌اش آشکار میکند و این شرایط اعتقادی و فکری ناظر است که این ظهور را معنا می‌کند.

نهایتاً ممکن است نتیجه این باشد - می‌توان اینگونه باشد - که شخص مشاهده‌گر (ناظر)، خود تقدس و تبرک را می‌آفریند و آن را در اشیاء اطراف خود قرار می‌دهد.

از طرفی امکان این بحث به وجود می آید که بیشتر ادیان جهان- از باستانی ترین تا امروزی ترینشان- از طریق توجیه و تفسیر وقایع مقدس و روحانی به وجود آمده اند .

از جمله مسائلی که در دین اهمیت بسزایی دارد، این است که این دریافتهای روحانی، توسط شخص مشاهده گر بوجود نیامده باشد، بلکه الهامی باشند که با قصد و نیتی مشخص، از طرف پروردگار (یا افراد مقدس) به مشاهده گر القا شده باشد. چرا که پایه و اساس روانشناسی انسان، اعتقاد به ماوراء الطبیعه و دنیایی است که ساکنانش ارواح، خدایان و یا نیروهای قدرتمند باستانی ماورای درک بشر هستند. به همین دلیل الیاد از واژه hierophany، به معنای چیز مقدسی که خودش را به ما می نمایاند، برای تعریف عملکرد ظهور تقدس، استفاده کرده است



کوه سینا محلی که خداوند به حضرت موسی (ع) وحی کرد .

از زمان های دور این تمایل در بین افراد بشر وجود داشته که تقدس موجود در هر چیز را باور کنند، از درختان و سنگ ها گرفته تا انسان ها. اما آنچه مشخص است مسئله مهم ستایش درخت یا سنگ نبوده بلکه در واقع یک سنگ یا درخت مقدس به دلیل رازهای روحانی منتسب به او مورد تکریم و ستایش قرار می گرفته که در آنصورت دیگر سنگ یا درخت محسوب نمی شده است .

به بیان دیگر یک سنگ یا درخت وقتی مقدس شد دیگر سنگ یا درخت معمولی نیست. همین مورد درباره تقدسی که به انسان ها اعطا می شود نیز صادق است. بعد از مقدس شدن آنها دیگر انسان های عادی نیستند و این اصل در واقع از اعتقادات بنیادین مسیحیت است .

به عنوان مثال، تقدس در شخص عیسی مسیح (ع) ظهور کرد و عیسی مسیح خود به تجسمی از خداوند متعال تبدیل شد. ممکن است گاهی تقدس به انسان هایی اعطا شود که رفتاری خاص دارند یا کارهایی انجام می دهند که نشانگر وجود نیروهای روحانی، غیبی و یا حتی ماوراء الطبیعه در آنها باشد. معمولاً تجربه یا اتفاقی که به واسطه آن انسانی مقدس می شود، در هر محل یا منطقه ای که اتفاق بیفتد آن مکان را نیز مقدس میکند. مکه و کلیسای سن پیترز نمونه مشخصی از این واقعه است .

در موارد دیگری ممکن است مکان مربوطه سابقه تقدس داشته باشد و شخص به علت ارتباط و رفت و آمد مکرر به آن مکان، خودش نیز مقدس شود. این امکان وجود دارد که غار لوردس (Lourdes) که چشمه شفابخشی در آن وجود داشت، حتی قبل از اینکه برنادت در آنجا از طرف مریم مقدس وحی دریافت کند، به خودی خود مقدس بوده باشد. این برخوردها باعث شد که آن غار و چشمه درونش برای مسیحیان مکانی مقدس شود و برنادت نیز به یک قدیس تبدیل شود .

با استدلالی مشابه می توان این احتمال را داد که کوه سینا (Sinai) حتی قبل از اینکه حضرت موسی در آنجا با خداوند مواجه شود، مکانی مقدس بوده است. این برخورد تأییدی است بر مقدس بودن حضرت موسی و کوه سینا. تقدس بوته در حال سوختن و کوه هنگامی که پروردگار به موسی گفت: "نزدیک تر نیا و کفش هایت را از پای درآور زیرا جایی که در آن ایستاده ای مکانی مقدس است"، به حضرت موسی آشکار شد. در عین حال تأکید کننده این موضوع که مکان یا شیئی مقدس زمینه را برای مقدس کردن موسی بیشتر فراهم آورده است .

نکته مهم دیگر این است که مکانهای مقدس خصوصا در دوران باستان و همچنین مکان هایی که به نوعی مربوط به ادیان امروزی هستند، کم و بیش با پیشگویی در ارتباط هستند. اصولا پیشگویی یا غیب گویی بر این عقیده استوار است که خدایان و یا نیروهای روحانی یا ماوراء طبیعی قدرتمند، قادرند به انسان اطلاعات و معلوماتی راجع به اتفاقات حال و بخصوص آینده القا کنند. این قضیه در دوران باستان تقریبا در همه دنیا تکرار می شده و تا کنون نیز ادامه پیدا کرده است.

چند مکان مقدس از جمله کوه دلفی (Delphi) در یونان که معبد معروف آپولو (Apollo) در آن واقع شده، یا دودونا (Dodona) جایی که درخت بلوط زئوس (Zeus) در آن قرار داشته است، مکان هایی بودند که مردم از آنها اطلاعاتی راجع به حال یا آینده دریافت می کردند. در مقیاس وسیع تر، ادیان مختلف در گذشته و حال به طرق متفاوتی از پیشگویی هایی که باعث اشاعه ترس از آینده و اضطراب در زمان حال شده اند، جلوگیری کرده و همواره از شدت آن کاسته اند.

عهد قدیم سرشار است از اظهارات مختلف پیامبران راجع به آینده، در حالیکه عهد جدید مدعی است اگر مردم روش پیشنهادی امر شده از طرف کلیسا را برگزیده و آن را دنبال کنند و در همان مسیر به پایان برسانند، خوشبختی زندگی پس از مرگ آنها در آینده تضمین شده خواهد بود. این دلیل خوبی است برای اینکه بپذیریم معروفیت و محبوبیت مکان های مقدسی که امروزه توسط توریست ها و مسافری در نقاط مختلف دنیا بازدید می شوند، به دلیل وجود چنین حس اطمینانی راجع به زندگی حال و آینده است. با توجه به پیشینه این مکان های مقدس باستانی، واضح است که منشا وجود آمدن اینگونه مکان ها دانشی بنیادین بوده و ریشه الهی در همه آنها وجود داشته است.

[ترجمه از مقالات دکتر کریستوفر ویتکامب از دانشگاه ویرجینیا](#)